

## عبادت خالص و چیزهایی که انسان را ناپاک می‌کند

<sup>1</sup>آنگاه کاتبان و فریسیان اورشلیم نزد عیسی آمده، گفتند: <sup>2</sup>چون است که شاگردان تو از تقلید مشایخ تجاوز می‌نمایند، زیرا هرگاه نان می‌خورند دست خود را نمی‌شویند؟ <sup>3</sup>او در جواب ایشان گفت: شما نیز به تقلید خویش، از حکم خدا چرا تجاوز می‌کنید؟ <sup>4</sup>زیرا خدا حکم داده است که: مادر و پدر خود را حرمت دار، و هرکه پدر یا مادر را دشنام دهد البته هلاک گردد. <sup>5</sup>لیکن شما می‌گویید: هر که پدر یا مادر خود را گوید: آنچه از من به تو نفع رسد هدیه‌ای است، <sup>6</sup>و پدر یا مادر خود را بعد از آن احترام نمی‌نماید. پس به تقلید خود، حکم خدا را باطل نموده‌اید. <sup>7</sup>ای رباکاران، اشعیاء درباره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: <sup>8</sup>این قوم به زبانهای خود به من تقرب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، لیکن دلشان از من دور است. <sup>9</sup>پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا که احکام مردم را بمنزله فرایض تعلیم می‌دهند. <sup>10</sup>و آن جماعت را خوانده، بدیشان گفت: گوش داده، بفهمید: <sup>11</sup>نه آنچه به دهان فرو می‌رود انسان را نجس می‌سازد، بلکه آنچه از دهان بیرون می‌آید انسان را نجس می‌گرداند. <sup>12</sup>آنگاه شاگردان وی آمده، گفتند: آیا می‌دانی که فریسیان چون این سخن را شنیدند، مکروهش داشتند؟ <sup>13</sup>او در جواب گفت: هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، گنده شود. <sup>14</sup>ایشان را واگذارید، کوران راهنمایان کورانند و هرگاه کور، کور را راهنما شود، هر دو در چاه افتند. <sup>15</sup>پطرس در جواب او گفت: این مثل را برای ما شرح فرما. <sup>16</sup>عیسی گفت: آیا شما نیز تا به حال بی‌ادراک هستید؟ <sup>17</sup>یا هنوز نیافته‌اید که آنچه از دهان فرو می‌رود، داخل شکم می‌گردد و در مَبَرَز افکنده می‌شود؟ <sup>18</sup>لیکن آنچه از دهان برآید، از دل صادر می‌گردد و این چیزها است که انسان را نجس می‌سازد. <sup>19</sup>زیرا که از دل برمی‌آید: خیالات بد و قتلها و زناها و فسقها و زدیها و شهادت دروغ و کفرها. <sup>20</sup>اینها است که انسان را نجس می‌سازد، لیکن خوردن به دستهای ناشسته، انسان را نجس نمی‌گرداند.

## ایمان یک زن کنعانی

<sup>1</sup>Then came to Jesus scribes and Pharisees, which were of Jerusalem, saying, <sup>2</sup>Why do thy disciples transgress the tradition of the elders? for they wash not their hands when they eat bread. <sup>3</sup>But he answered and said unto them, Why do ye also transgress the commandment of God by your tradition? <sup>4</sup>For God commanded, saying, Honour thy father and mother: and, He that curseth father or mother, let him die the death. <sup>5</sup>But ye say, Whosoever shall say to his father or his mother, It is a gift, by whatsoever thou mightest be profited by me; <sup>6</sup>And honour not his father or his mother, he shall be free. Thus have ye made the commandment of God of none effect by your tradition. <sup>7</sup>Ye hypocrites, well did Esaias prophesy of you, saying, <sup>8</sup>This people draweth nigh unto me with their mouth, and honoureth me with their lips; but their heart is far from me. <sup>9</sup>But in vain they do worship me, teaching for doctrines the commandments of men. <sup>10</sup>And he called the multitude, and said unto them, Hear, and understand: <sup>11</sup>Not that which goeth into the mouth defileth a man; but that which cometh out of the mouth, this defileth a man. <sup>12</sup>Then came his disciples, and said unto him, Knowest thou that the Pharisees were offended, after they heard this saying? <sup>13</sup>But he answered and said, Every plant, which my heavenly Father hath not planted, shall be rooted up. <sup>14</sup>Let them alone: they be blind leaders of the blind. And if the blind lead the blind, both shall fall into the ditch. <sup>15</sup>Then answered Peter and said unto him, Declare unto us this parable. <sup>16</sup>And Jesus said, Are ye also yet

<sup>21</sup> پس عیسی از آنجا بیرون شده، به دیار صُور و صیدون رفت.<sup>22</sup> ناگاه زن کنعانیهای از آن حدود بیرون آمده، فریادکنان وی را گفت: خداوندا، پسر داور، بر من رحم کن زیرا دختر من سخت دیوانه است.<sup>23</sup> لیکن هیچ جوابش نداد تا شاگردان او پیش آمده، خواهش نمودند که: او را مرخص فرمای، زیرا در عقب ما شورش می‌کند.<sup>24</sup> او در جواب گفت: فرستاده نشده‌ام مگر بجهت گوسفندان گم شده خاندان اسرائیل.<sup>25</sup> پس آن زن آمده، او را پرستش کرده، گفت: خداوندا، مرا یاری کن.<sup>26</sup> در جواب گفت که: نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست.<sup>27</sup> عرض کرد: بلی، خداوندا، زیرا سگان نیز از پاره‌های افتاده سفره آقایان خویش می‌خورند.<sup>28</sup> ناگاه عیسی در جواب او گفت: ای زن، ایمان تو عظیم است! تو را برحسب خواهش تو بشود. که در همان ساعت، دخترش شفا یافت.

#### غذا دادن عیسی به چهار هزار مرد

<sup>29</sup> عیسی از آنجا حرکت کرده، به کناره دریای جلیل آمد و بر فراز کوه برآمده، آنجا بنشست.<sup>30</sup> و گروهی بسیار، لنگان و کوران و گنگان و شلّان و جمعی از دیگران را با خود برداشته، نزد او آمدند و ایشان را بر پایهای عیسی افکندند و ایشان را شفا داد،<sup>31</sup> بقسمی که آن جماعت، چون گنگان را گویا و شلّان را تندرست و لنگان را خرامان و کوران را بینا دیدند، متعجب شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند.

<sup>32</sup> عیسی شاگردان خود را پیش طلبیده، گفت: مرا بر این جماعت دل بسوخت زیرا که الحال سه روز است که با من می‌باشند و هیچ چیز برای خوراک ندارند و نمی‌خواهم ایشان را گرسنه برگردانم مبادا در راه ضعف کنند.<sup>33</sup> شاگردانش به او گفتند: از کجا در بیابان ما را آنقدر نان باشد که چنین انبوه را سیر کند؟<sup>34</sup> عیسی ایشان را گفت: چند نان دارید؟ گفتند: هفت نان و قدری از ماهیان کوچک.<sup>35</sup> پس مردم را فرمود تا بر زمین بنشینند.<sup>36</sup> و آن هفت نان و ماهیان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد و شاگردان به آن جماعت.<sup>37</sup> و همه خورده، سیر شدند و از خرده‌های باقیمانده هفت زنبیل پر برداشتند.<sup>38</sup> و خورندگان، سوای زنان و اطفال چهار هزار مرد

without understanding?<sup>17</sup> Do not ye yet understand, that whatsoever entereth in at the mouth goeth into the belly, and is cast out into the draught?<sup>18</sup> But those things which proceed out of the mouth come forth from the heart; and they defile the man.<sup>19</sup> For out of the heart proceed evil thoughts, murders, adulteries, fornications, thefts, false witness, blasphemies:<sup>20</sup> These are the things which defile a man: but to eat with unwashen hands defileth not a man.<sup>21</sup> Then Jesus went thence, and departed into the coasts of Tyre and Sidon.<sup>22</sup> And, behold, a woman of Canaan came out of the same coasts, and cried unto him, saying, Have mercy on me, O Lord, thou Son of David; my daughter is grievously vexed with a devil.<sup>23</sup> But he answered her not a word. And his disciples came and besought him, saying, Send her away; for she crieth after us.<sup>24</sup> But he answered and said, I am not sent but unto the lost sheep of the house of Israel.<sup>25</sup> Then came she and worshipped him, saying, Lord, help me.<sup>26</sup> But he answered and said, It is not meet to take the children's bread, and to cast it to dogs.<sup>27</sup> And she said, Truth, Lord: yet the dogs eat of the crumbs which fall from their masters' table.<sup>28</sup> Then Jesus answered and said unto her, O woman, great is thy faith: be it unto thee even as thou wilt. And her daughter was made whole from that very hour.<sup>29</sup> And Jesus departed from thence, and came nigh unto the sea of Galilee; and went up into a mountain, and sat down there.<sup>30</sup> And great multitudes came unto him, having with them those that were lame, blind, dumb, maimed, and many others, and cast them

بودند.<sup>39</sup> پس آن گروه را رخصت داد و به کشتی سوار شده، به حدود مَجْدَل آمد.

down at Jesus' feet; and he healed them:<sup>31</sup> Insomuch that the multitude wondered, when they saw the dumb to speak, the maimed to be whole, the lame to walk, and the blind to see: and they glorified the God of Israel.<sup>32</sup> Then Jesus called his disciples unto him, and said, I have compassion on the multitude, because they continue with me now three days, and have nothing to eat: and I will not send them away fasting, lest they faint in the way.<sup>33</sup> And his disciples say unto him, Whence should we have so much bread in the wilderness, as to fill so great a multitude?<sup>34</sup> And Jesus saith unto them, How many loaves have ye? And they said, Seven, and a few little fishes.<sup>35</sup> And he commanded the multitude to sit down on the ground.<sup>36</sup> And he took the seven loaves and the fishes, and gave thanks, and brake them, and gave to his disciples, and the disciples to the multitude.<sup>37</sup> And they did all eat, and were filled: and they took up of the broken meat that was left seven baskets full.<sup>38</sup> And they that did eat were four thousand men, beside women and children.<sup>39</sup> And he sent away the multitude, and took ship, and came into the coasts of Magdala,